

عوامل موثر بر گرایش کودکان کار خیابانی به خرده‌فروشی مواد مخدر: مورد مطالعه استان‌های ایلام و کرمانشاه

محمد میرزایی^۱، اصغر افتخاری^۲، شهاب غلامی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر بررسی عوامل موثر بر گرایش کودکان کار خیابانی به خرده‌فروشی مواد مخدر در استان‌های غربی کشور (ایلام و کرمانشاه) بود. **روش:** روش این پژوهش کیفی و از نوع تحلیل مضمون بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل خبرگان و متخصصان علمی و اجرایی فراجا، قوه قضاییه و بهزیستی، کارشناسان در حوزه آسیب‌های اجتماعی و مواد مخدر، و کودکان کار خیابانی و خانواده‌های آن‌ها بود که از بین آن‌ها ۳۰ نفر با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. داده‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، محوری، و گزینشی تجزیه و تحلیل شدند. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد که عوامل موثر شامل دو بعد اصلی عوامل مستقیم و زمینه‌ای و ۴ مولفه عوامل روان‌شناختی، خانوادگی، اجتماعی، و اقتصادی بود. بررسی مجدد یافته‌ها در دو گروه کانونی متشکل از برخی مشارکت‌کنندگان فعال موجب شناسایی ۴ الگوی فرایندی شامل خانواده مهاجر فقیر، خانواده دارای فرهنگ کار، خانواده دارای والدین بی‌مسئولیت، و خانواده متکدی گردید. **نتیجه‌گیری:** نتایج پژوهش نشان می‌دهد که این موضوع پدیده‌ای نابهنجار اجتماعی چندبعدی است که کنترل آن با توجه به ماهیت آن، نیازمند تعامل و همکاری نهادهای مختلفی است که بایستی با هماهنگی لازم و با تمرکز بر پاسخ‌های فرهنگی و اجتماعی کنترل و مدیریت گردد.

کلیدواژه‌ها: کودکان کار خیابانی، خرده‌فروشی، مواد مخدر، تعامل، خانواده

۱. نویسنده مسئول: استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم نظامی، دانشگاه علوم نظامی امین، تهران، ایران. پست الکترونیک:

md92.mirzaei@gmail.com

۲. استادیار، گروه مواد مخدر، دانشکده علوم و فنون آگاهی و اطلاعات، دانشگاه علوم نظامی امین، تهران، ایران.

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده علوم و فنون آگاهی و اطلاعات، دانشگاه علوم نظامی امین، تهران،

ایران.

مقدمه

امروزه از یک سو، رشد بالای جمعیت، مهاجرت روستائیان، حاشیه نشینی، فقر و بیکاری و از طرف دیگر، تغییر سبک زندگی و افزایش اختلاف طبقاتی و نامناسب بودن توزیع امکانات در سطح گروه‌های مختلف، جوامع را دستخوش تغییر کرده و آنها را با اشکالی از آسیب‌های اجتماعی مانند کودکان کار خیابانی روبه‌رو کرده است. کودکان کار خیابانی افرادی هستند که با توجه به سن و سال پائینی که دارند به دلیل اینکه فاقد سرپناه و محلی برای اسکان و زندگی بوده و معمولاً از غذا و یا خانواده مناسب برای زندگی محروم‌اند؛ لذا برای ایشان خیابان به منزله مسکن بوده و در ضمن این سکونت مجبور به انجام کارها و مشاغل کاذب شده و متحمل آسیب‌های اجتماعی فراوان دیگر خواهند شد. تحقیقات نشان داده‌اند که میان بی‌خانمانی و مصرف مواد مخدر رابطه وجود دارد (کارور، رینگ، میلر، پارکز، ۲۰۲۰؛ داک و سربی، ۲۰۱۹). از طرف دیگر تحقیقات مشخص کرده‌اند که مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی به عنوان قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های پدیده بی‌خانمانی تلقی می‌شوند (بودیسکو، سیسلمن-بورجیو و تورینو، ۲۰۲۲؛ سیان و همکاران، ۲۰۲۰). این آسیب به دلیل تشدید معضلات فراوان اجتماعی و اقتصادی در کشورهای فقیر و یا در حال توسعه، دارای روند افزایشی بوده است؛ گونه‌ای که تعداد آنها در کشورهای در حال توسعه به ۲۵۰ میلیون نفر می‌رسد که نزدیک به ۱۴۰ میلیون نفر آنها به کار تمام وقت اشتغال دارند (باقری، ۱۳۹۹). در ایران نیز این روند به دلایل مختلفی در حال افزایش است که این روند افزایشی نه تنها باعث خدشه به چهره محل سکونت شهری و تأثیر شهروندان شده بلکه موجب آسیب‌های اجتماعی دیگر در حال و آینده هم برای افراد و هم برای جامعه خواهد بود و از این منظر بررسی دقیق و احصای عوامل موثر در افزایش این آسیب را در برخی از استان‌های محروم غرب کشور مانند کرمانشاه و ایلام که هدف اصلی این پژوهش است را دارای اهمیت کاربردی و نظری نموده است.

تعداد کودکان خیابانی در استان‌های غربی (کرمانشاه و ایلام) نیز بنا بر مستندات آماری (علیپور و همکاران، ۱۴۰۰) در سال ۱۴۰۰ نسبت به سال ۱۳۹۰، ۴۱ درصد افزایش داشته که طبق آمار ارائه شده، ۱۳ درصد این کودکان خیابانی به فروش مواد مخدر می‌پردازند. قاسم زاده (۱۳۹۹) در پژوهش خود تحت عنوان «کودکان خیابانی زخمی بر پیکر شهرها» که در سطح شهر تهران انجام داد بیان نمود که روند کودکان کار در سال‌های ۹۵ تا ۹۶ در حدود ۳۶ درصد افزایشی بوده که بیشتر ایشان کودکان پسر تا سن ۱۲ سالگی بودند که تا سوم ابتدایی حداکثر سواد را داشته و بیشتر ایشان به تهران مهاجرت نموده‌اند. در مشاهدات میدانی مشخص شد که هر یک از ایشان دارای آثار جسمی جراحات و یا سوختگی سوء تغذیه، تأخیر در رشد جسمی و آثار روحی مانند اضطراب، افسردگی، پر خاشگری بی اعتمادی و ... بوده و از آن رنج می‌برند.

بنا بر بررسی انجام گرفته می‌توان کودکان کار را در ۸ قسم تقسیم نمود که شامل کودکان مهاجر و مقیم خانواده‌های نابسامان، فقیر، بی‌سرپرست، ترک تحصیل کرده، عقب‌مانده ذهنی، شاغل در کارگاه‌های خانوادگی بدون مزد، معلول و متکدی و کودکان مجبور به کار است. نتایج پژوهش‌ها بیان می‌دارد که پر جمعیت بودن خانواده، مهاجرت از محل زندگی برای ارتقای سطح زندگی، سپردن کودکان به اقوام ساکن در شهرها و ترک خانه از علل اصلی این آسیب اجتماعی است. این افراد فاقد آموزش مناسب و یا محروم از تحصیل هستند و معمولاً در شرایط ناآرام و ناامن، قربانی و بزه‌دیده جرائم و آسیب‌های مختلف مانند اعتیاد شده و توسط گروه‌های بزه‌کار مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند (هاشمی، ۱۳۹۹).

از دیدگاه دیگر می‌توان به این موضوع از این منظر نگریست که به جای اینکه این افراد بزه‌کار تلقی شوند به نوعی بزه‌دیده بالقوه محسوب شده که شرایط نامناسب جامعه و محرومیت‌های موجود، باعث بزه‌دیدگی ایشان و ارتکاب خرده‌جرائم توسط آنان شده است. حقوق بنیادینی که بر مبنای قانون اساسی هر فرد باید از آن بهره‌مند گردد مانند حق حیات، حق بهره‌مندی از تغذیه، بهداشت، آموزش و پرورش و به طور کلی تامین اجتماعی از این افراد به نوعی سلب شده است (عظیم زاده اردبیلی، ۱۳۸۹). در این راستا،

آدونتنگ-کیسی ۱ (۲۰۱۹) نیز طی تحقیقی با عنوان «درک والدین از کار کودک و حقوق بشر» به بررسی میزان شناخت جامعه و والدین از حقوق کودک و ارتباط آن با میزان به کارگیری کودکان در مشاغل پرداخته و به این نتیجه دست یافتند که شناخت جامعه و والدین از حقوق کودکان تاثیر مستقیمی بر رعایت حقوق ایشان داشته و بهره‌مندی از این حقوق موجب کاهش آسیب‌های اجتماعی و در نتیجه موجب امنیت‌افزایی در بلندمدت برای جامعه خواهد بود. شواهد زیادی نیز مبنی بر ارتباط میان بی‌خانمانی و خیابانی بودن و گرایش به اعتیاد وجود دارد. افرادی که به چرخه بی‌خانمانی وارد و یا از آن خارج می‌شوند غالباً همزمان به چرخه مصرف مواد نیز وارد و یا از آن خارج می‌شوند؛ به طوری که تخمین زده شده است که حدود ۵۰ تا ۸۰ درصد از بی‌خانمان‌ها مصرف‌کننده مواد مخدر هستند (نادری، کرمان و خسروی، ۱۴۰۰). بر مبنای برخی از پژوهش‌های انجام شده دلیل اصلی گرایش کودکان به کار و از جمله مشاغل کاذب و یا مجرمانه مانند خرده‌فروشی مواد مخدر، مشکلات اقتصادی و آسیب‌های مرتبط با این موضوع مانند مهاجرت، بیکاری و می‌باشد؛ به طور مثال در پژوهشی مشخص شد که حضور کودکان در خیابان به سبب فقر و نیاز خانواده به درآمدی است که این کودکان کسب می‌کنند (آلیسون، جنکس و پروت، ۱۳۹۷).

به نوعی زمینه‌ها و عوامل گسترش این پدیده و راه‌های مقابله با آن در جوامع مختلف با توجه به بسترهای فرهنگی گوناگون، متفاوت است (ملتفت، شهریاری، حزباوی، ۱۳۹۹). هنجارناپذیری و قانون‌شکنی از پیامدهای این آسیب اجتماعی برای جامعه و همچنین کودکانی است که به دلایل مختلف در خیابان‌ها به ناچار مشغول به مشاغل کاذبی مانند سرقت و یا خرده‌فروشی مواد مخدر می‌گردند. در کشور و به‌خصوص در استان‌های کمتر بهره‌مند مانند ایلام و کرمانشاه، به دلیل غلبه مشکلات اقتصادی متاسفانه در سطوح مختلف اجتماعی شاهد آن هستیم که کودکان به عنوان گداهایی که برای خودشان یا به عنوان بخشی از یک گروه، در خیابان‌ها کار می‌کنند. در ایران روند کمی کودکان خیابانی در سال‌های اخیر به دلیل تشدید مشکلات اجتماعی افزایشی بوده و در حال گسترش است.

مؤید این مطلب پژوهشی است که اسدپور و اعظم آزاده (۱۳۹۹) با عنوان «فرا تحلیل مطالعات عوامل اثر گذار بر پیدایش کودکان کار و خیابان» انجام داده و با بررسی مطالعات انجام شده در حوزه مربوطه به احصای عوامل اصلی پیدایش کودکان کار خیابانی پرداخته و مبتنی بر تحقیقات انجام گرفته در سال های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۸ به این نتیجه رسیده اند که ضمن روند افزایشی تعداد این افراد، مشکلات اجتماعی از جمله سطح تحصیلات و اعتیاد به مواد مخدر والدین به ترتیب با اندازه اثرات ترکیبی معادل ۰/۶۱ و ۰/۵۴ در حد متوسط بر میزان کار کودکان و خیابانی شدن آنها موثر بوده اند. از طرف دیگر این پدیده موجب آثار منفی دیگری برای کودکان از جمله افت تحصیلی یا ترک تحصیل، ایجاد تعارض بین والدین و فرزندان، افزایش خشونت (حامدا و سادیا، ۲۰۱۹)، تعارضات روان شناختی و رفتاری (سانی، اوپادیا، منا و جین، ۲۰۱۷)، گرایش به سایر جرائم است و سوء استفاده ای که در فروش مواد مخدر به صورت خرد از این کودکان می شود کمتر مورد توجه بوده است. بر این اساس و از آنجایی که این پدیده دارای ابعاد مختلف متفاوت و گاه متضاد نیز هست می بایست در رویکردی چندبعدی به فرایندهای گرایش این افراد به جرائم مختلف از جمله خرده فروشی مواد مخدر پرداخته شود. در واقع منتج از تحقیقات داخلی و خارجی این پدیده دارای ابعاد و علل مختلفی است که بایستی به صورت منسجم مورد بررسی قرار گیرند. برای تایید این مطلب می توان به پژوهش اسدی و پرزور (۱۳۹۹) اشاره نمود که در تحقیق خود با عنوان «بررسی علل گرایش به مصرف مواد مخدر (اعتیاد) در شهر اردبیل» عوامل فردی (سطح تحصیلات ابتدایی افراد وابسته به مواد و دوستان آنها، بیکاری و داشتن مشاغل کارگری، پیشنهاد مصرف مواد توسط همکاران محیط کار، شروع مصرف با تریاک)، عوامل خانوادگی (طرده فرد در مشاجرات خانوادگی، مصرف مواد برای فرار از مشکلات خانوادگی، مصرف مواد بعد از شکست عشقی، سابقه اعتیاد در بین اعضای خانواده و عملکرد خانوادگی نامناسب)، عوامل روان شناختی (مصرف مواد برای لذت جویی و خوشگذرانی، مصرف مواد برای حس کنجکاوی، گرایش به رفتارهای پرخطر بالا، ناتوانی و ضعف در ابراز وجود و استرس های زیاد در سبک زندگی)،

عوامل فرهنگی (عدم عضویت و فعالیت در گروه‌های مذهبی، پایبندی کمتر به سبک زندگی مذهبی، ناآگاهی از اثرات و عوارض موادمخدر، معاشرت با دوستان ناباب، قبح‌شکنی مصرف‌مواد در جامعه، تبلیغات و کارکرد منفی رسانه‌ها و استفاده بالا از ماهواره)، عوامل اجتماعی (عدم عضویت و فعالیت در گروه‌های اجتماعی و احساس محرومیت اجتماعی)، عوامل اقتصادی (بیکاری و وضعیت اقتصادی ضعیف، احساس محرومیت اقتصادی و فقر) و عوامل جغرافیایی (حاشیه‌نشینی و بالا بودن میزان بروز جرم و اعتیاد در محل سکونت فرد) در گرایش به اعتیاد افراد وابسته به مواد را دارای نقش دانسته‌اند.

تیندا ۱۱ (۲۰۲۱) طی پژوهشی تحت عنوان «فعالیت اقتصادی کودکان پرو در مناطق شهری و روستایی» به بررسی تفاوت‌های موجود در بین کودکان کار در مناطق شهری و روستایی پرداخته و به تاثیرگذاری بسترهای اجتماعی و خانوادگی از حیث محل سکونت و بهره‌مندی از امکانات اجتماعی در مناطق شهری و روستایی بر گرایش کودکان به فعالیت‌های اقتصادی پرداخت. براساس یافته‌های تحقیق، اشتغال کودکان روستایی بیش از ۲ برابر کودکان شهری است که در کودکان ۶-۱۳ ساله بسترهای اجتماعی بیشترین تاثیر و در کودکان ۱۴-۱۸ ساله بسترهای فردی بیشترین تاثیر را بر گرایش کودکان کار داشته و همچنین نوع سرپرستی خانوار اثر قوی‌تری از اندازه خانواده بر روی کار کودکان داشته است. انیو ۲ (۲۰۲۰) در پژوهشی تحت عنوان «ساختار خانواده، بیکاری و کار کودکان در جامائیکا» به بررسی ابعاد گرایش کودکان به کار از حیث فرهنگی پرداخته‌اند و این پدیده از حیث محل زندگی افراد و ساختار فرهنگی آن قابل بررسی است. والدین به دلیل بهبود اقتصاد مجبور به مهاجرت شده و فرزندان خود را در محل‌های اصلی سکونت خود رها می‌کنند و این خود به نوعی باعث ترک تحصیل و ورود این کودکان به فعالیت‌های اقتصادی می‌شود. این موضوع خوداتکایی مالی و جامعه‌پذیری محلی در آن صنف خاص را مطابق با هنجارهای آن صنف به دنبال خواهد داشت.

سازمان جهانی کار ۱ (۲۰۲۰) پژوهشی را با عنوان «کودکان کار، چه قدر و کجا کار می‌کنند؟» در چهار کشور غنا، هند، اندونزی و سنگال برای اندازه‌گیری کار کودکان به روش پیمایش و با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام داده است. نتایج این پژوهش حکایت از اشتغال ۲۵ درصد از کودکان این مناطق دارد. براساس پژوهش در سنگال ۴۰ درصد و در سه کشور دیگر بالای ۱۲ درصد از کودکان به منظور کمک به وضعیت مالی خانواده‌ها به نحو خرده کاری فعالیت می‌کنند. این بررسی نشان می‌دهد که گرایش کودکان به فعالیت‌های اقتصادی با عوامل اقتصادی مانند فقر و عوامل اجتماعی مانند آموزش و عوامل خانوادگی مانند مرگ والدین و یا وجود والدین بدسرپرست مرتبط است.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود معضل گرایش کودکان به کار در خیابان و فقدان محل سکونت مناسب و بهره‌مندی از حداقل امکانات، آسیب‌پذیری اجتماعی ایشان را به دنبال دارد که از مهمترین این آسیب‌ها متاثر شدن این افراد از آثار جرمی مانند اعتیاد و جرائم وابسته به مواد مخدر مانند خرده‌فروشی مواد مخدر است که با بررسی آمار موجود در تحقیقات دارای روند افزایشی بوده است. انجام این پژوهش در راستای شعار سال ۱۴۰۰ ستاد مبارزه با مواد مخدر مبنی بر «یاریگران زندگی — مشارکت اجتماعی — پیشگیری از اعتیاد» و همچنین شعار سال ۲۰۲۱ سازمان ملل متحد مبنی بر اینکه «حقایق درباره مواد مخدر را به اشتراک بگذاریم تا زندگی‌ها را نجات دهیم» دارای اهمیت است. ضمن اینکه در حوزه علت‌شناسی مرتبط با خرده‌فروشی مواد مخدر توسط کودکان کار تا کنون پژوهشی انجام نگرفته و تحقیقات انجام شده بیشتر ناظر به علل گرایش نوجوانان به مواد مخدر و یا دلایل موثر بر کودک کار شدن افراد به صورت تک‌بعدی بوده و از این حیث موضوع عوامل موثر بر خرده‌فروشی کودکان کار دارای بداعت است.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و به لحاظ نوع داده‌ها و رویکرد از نوع مطالعات کیفی مبتنی بر تحلیل مضمون است. جامعه آماری در این پژوهش شامل خبرگان آگاه به موضوع از جمله مددکاران اجتماعی معاونت اجتماعی نیروی انتظامی با بیش از ۱۰ سال خدمت به بالا، کارشناسان و خبرگان بهزیستی که طی ۴ سال اخیر در حوزه کودکان خیابانی فعالیت داشته‌اند و همچنین مشاورین آسیب‌های اجتماعی و کارشناسان قوه قضائیه و کودکان کار خیابانی و خانواده‌های ایشان، در دو استان ایلام و کرمانشاه بوده‌اند که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و بر اساس اصل اشباع نظری، در نهایت با ۳۰ نفر مصاحبه انجام شد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها بر اساس مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود و روش‌های تجزیه و تحلیل اطلاعات از طریق تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار با تکنیک تحلیل جمله به جمله استفاده شد. به این منظور در تحلیل مصاحبه‌ها سعی شد از متن و مفاهیم مصاحبه‌ها، مقوله‌های فرعی و از تحلیل متن و انتزاع‌سازی، مقولات اصلی استخراج گردد. برای حصول اطمینان از روایی پژوهش از روش «بازبینی توسط اعضا»، بررسی همکار و مشارکتی بودن پژوهش» و برای بررسی پایایی از روش بازآزمون و توافق بین دو کدگذار استفاده گردید که نتیجه حاصله بالای ۹۰ درصد و مورد تایید واقع شد. ضمناً به منظور بازبینی و ترکیب عوامل احصا شده با عنایت به چندوجهی بودن موضوع با تشکیل دو گروه کانونی ۶ نفره از مشارکت‌کنندگان فعال در مصاحبه‌ها، نسبت به شناسایی و ترسیم مدل اقدام گردید.

یافته‌ها

اطلاعات جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس جنسیت و تحصیلات

سنجه	طبقات	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	۲۰	۶۶
	زن	۱۰	۳۳
تحصیلات	لیسانس	۱۵	۵۰
	فوق لیسانس	۱۲	۴۰
	دکتر	۳	۱۰
	جمع	۳۰	۱۰۰

در مرحله بدوی مصاحبه‌ها انجام و پس از بررسی و استخراج مولفه‌های اصلی (مبتنی بر کدگذاری باز) ناشی از مصاحبه‌ها اقدام به احصای مقولات و مضامین سازمان‌دهنده (مبتنی بر کدگذاری محوری) گردید و در مرحله بعد پس از تجزیه و تحلیل و دسته‌بندی مقولات و مضامین احصا شده، ابعاد پایه‌ای (مبتنی بر کدگذاری انتخابی) استخراج و به صورت سامان‌مند مدون گردید. در واقع در کدگذاری باز به سبک جمله به جمله از متن مصاحبه‌ها مفاهیمی استخراج و در فرایند کدگذاری سازمان‌دهنده یا محوری به مقولات تبدیل می‌شوند. مقولات نیز از طریق کدگذاری گزینشی یا انتخابی به ابعاد عمده انتزاع یافتند که در پایان در مقوله هسته ظهور می‌یابد. در نهایت نیز به منظور تایید مجدد یافته‌ها، با توجه به برهم کنش، تاثیر و تأثر عوامل بر یکدیگر و به منظور مشخص و روشن شدن ترکیب آثار عوامل با یکدیگر شمای طراحی شده که متضمن فرایندهای متصوره از موضوع بود در گروه کانونی مجدداً بررسی و مورد تایید قرار گرفت.

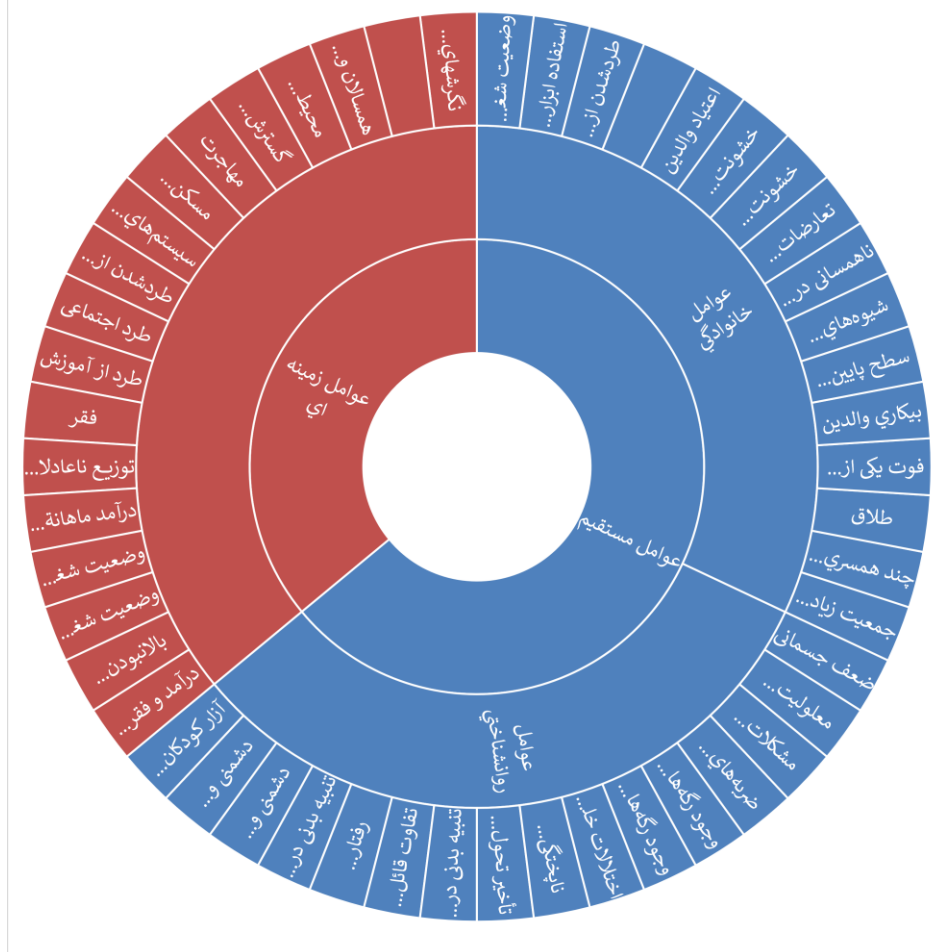
جدول ۲: کدگذاری و استخراج عوامل موثر بر گرایش کودکان کار خیابانی به خرده‌فروشی مواد مخدر

فرآوانی	کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی
۱۶	آزار کودکان توسط والدین	عوامل	
۱۷	دشمنی و دلخوری بین کودک و پدر	روانشناختی	
۱۷	دشمنی و دلخوری بین کودک و مادر		
۱۸	تنبیه بدنی در منزل (تعارض رفتاری)		
۱۷	رفتار نامناسب والدین با یکدیگر		
۱۷	تفاوت قائل شدن بین فرزندان		عوامل مستقیم
۱۸	تنبیه بدنی در مدرسه		
۱۶	تأخیر تحول عاطفی		
۱۷	ناپختگی شخصیتی		
۱۷	اختلالات خلقی و عاطفی		
۱۶	وجود رگه‌های شخصیتی ضد اجتماعی		
۱۷	وجود رگه‌های شخصیتی دوری‌گزین		
۱۷	ضربه‌های شدید روانی		
۱۸	مشکلات شناختی		
۱۷	معلولیت جسمانی		
۱۶	ضعف جسمانی		
۱۷	جمعیت زیاد خانواده		
۱۸	چند همسری بودن پدر		
۱۷	طلاق		
۱۷	فوت یکی از والدین		
۱۸	بیکاری والدین	عوامل خانوادگی	
۱۶	سطح پایین تحصیلات والدین		
۱۷	شیوه‌های تربیتی-آموزشی نامناسب		
۱۷	ناهمسانی در شیوه‌های تربیتی		
۱۶	تعارضات خانوادگی		
۱۷	خشونت والدین نسبت به کودک		
۱۷	خشونت والدین نسبت به یکدیگر		

جدول ۲: کدگذاری و استخراج عوامل موثر بر گرایش کودکان کار خیابانی به خرده‌فروشی مواد مخدر

فرآوانی	کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی
۱۸	اعتیاد والدین		
۱۷	زنداد رفتن والدین		
۱۷	طردشدن از خانواده		
۱۸	استفاده ایزاری کودکان		
۱۶	وضعیت شغلی والدین	عوامل اجتماعی	
۱۷	نگرش‌های عقیدتی نادرست		
۱۷	خودمحوری به جای خدا محوری		
۱۶	همسالان و نزدیکان خلافکار		عوامل زمینه‌ای
۱۷	محیط اجتماعی، مسکن و مدرسه ناکارآمد		
۱۷	گسترش شهرنشینی (حاشیه‌نشینی)		
۱۸	مهاجرت		
۱۷	مسکن نامناسب		
۱۷	سیستم‌های برنامه‌ریزی معیوب		
۱۸	طردشدن از مسکن		
۱۹	طرد اجتماعی		
۱۸	طرد از آموزش		
۱۷	فقر	عوامل اقتصادی	
۱۸	توزیع ناعادلانه ثروت		
۱۶	درآمد ماهانه خانواده		
۱۷	وضعیت شغلی پدر		
۱۷	وضعیت شغلی مادر		
۱۶	بالابودن درآمد پدر		
۱۷	درآمد و فقر خانواده		

مدل مفهومی



نمودار ۱: عوامل موثر بر گرایش کودکان کار خیابانی به خرده فروشی مواد مخدر (مورد مطالعه استان‌های ایلام- کرمانشاه)

به منظور بررسی پایایی از روش بازآزمون (شاخص ثبات) استفاده شد. این شاخص را می‌توان زمانی محاسبه نمود که یک کدگذار یک متن را در دو زمان متفاوت کدگذاری کرده باشد. به دلیل اینکه در این روش کدگذار و متن یکسان است این نوع پایایی شامل کمترین احتمال دخالت عوامل کنترل نشده است. اجرای روش به این گونه است که از میان کل مصاحبه‌ها چند نمونه به طور تصادفی انتخاب شده و هر کدام در دو زمان متفاوت

و کوتاه (۵ تا ۳۰ روز) کدگذاری می‌شوند. سپس کدهای مشخص شده با یکدیگر مقایسه شده و از طریق توافقات یا مشابهاًت و عدم توافقات و یا تفاوت‌ها شاخص ثبات مشخص می‌شود (خواستار، ۱۳۸۸). فرمول تعیین پایایی بر مبنای روش بازآزمون به شرح ذیل است:

$$\text{درصد پایایی} = \frac{2 \times \text{تعداد توافقات}}{\text{تعداد کل کدها}} \times 100\%$$

بر اساس محاسبه انجام شده، پایایی محاسبه شده برابر ۹۲٪ است؛ با توجه به اینکه این میزان پایایی از ۶۰٪ بیشتر است، پایایی تحقیق مورد تایید است.

جدول ۳: محاسبات مربوط به پایایی

ردیف	کد مصاحبه شونده	مجموع کدهای دو کدگذار	تعداد کدهای مورد توافق	تعداد کدهای ناموفق	پایایی بازآزمون (شاخص ثبات)
۱	مصاحبه ۱	۱۴۵	۶۶	۲۵	۹۱٪
۲	مصاحبه ۱۲	۱۵۹	۷۳	۱۲	۹۱٪
۳	مصاحبه ۲۱	۸۰	۳۹	۴	۹۷٪
۴	مصاحبه ۲۸	۱۰۶	۴۸	۲۳	۹۰٪
	مجموع	۴۹۰	۲۲۶	۶۴	۹۲٪

برهم کنش متقابل عوامل مستخرجه در گرایش کودکان کار به خرده‌فروشی مواد

مخدر

پس از مشخص شدن عوامل موثر بر موضوع، با توجه به تاثیرات متقابل عوامل بر یکدیگر و چندبعدی بودن موضوع مورد مطالعه، عوامل احصا شده مجدداً در گروه‌های قانونی عرضه شد تا ضمن بررسی مجدد بتوان شمای کلی تری را از گرایش به خرده‌فروشی مواد مخدر کودکان کار مستخرج از ترکیب و انتزاع عوامل موثر را ترسیم نمود. درحقیقت، اگر همه مؤلفه‌ها و مقولات استخراج شده از مصاحبه‌ها در زمینه خرده‌فروشی مواد مخدر در یکدیگر ادغام شوند، تعداد بسیار زیادی فرایند به دست می‌آید، اما فرایندهای ذیل که شیوه اثرگذاری آنها نیز متفاوت است پس از بررسی‌های صورت گرفته در گروه‌های قانونی یافت شده که قابل تامل است و منطبق با تیپ ایده آل

مطابق با تعریف وبر از نمونه آرمانی ۱ ساخته شده است. براین اساس، چهار فرایند کلی کودک کار خرده فروش مواد مخدر، ترسیم شده است و ممکن است خرده فروشی مواد مخدر یک کودک کار، ترکیبی از این فرایندها باشد یا فقط شامل یکی از این فرایندها شود و این ناشی از بسیاری از مصاحبه های انجام شده در طی انجام تحقیق بوده است؛ برای نمونه یکی از مصاحبه شونده گان در تشریح علل موثر بر موضوع اذعان می دارد که «اصولا علل اصلی این پدیده شامل موارد زیادی است از جمله علل اجتماعی و اقتصادی که مستقیم یا غیرمستقیم، به تنهایی یا در ترکیب با هم باعث ایجاد و تشدید این پدیده می شود. هر چند به نظر من علل اجتماعی مهم تر از علل دیگر است ولی آثار متقابلی می توانند نسبت به یکدیگر ایجاد کنند که در هم تداخل نموده و تاثیر بگذارد». مصاحبه شونده دیگری نیز ضمن تاکید بر مسائل اقتصادی، موضوعات مرتبط با خانواده و محیط زندگی را در کنار ویژگی های شخصیتی موثر دانسته و بیان می دارد «در مورد علت اصلی گرایش کودکان کار به خرده فروشی مواد مخدر باید به پیشینه و کمبودهای اقتصادی افراد در گیر و خانواده های آنها و همچنین به محل زندگی ایشان توجه نمود. قطعا فردی که دارای مشکلات اقتصادی است مجبور است در محیط های حاشیه شهر که از لحاظ فرهنگی و معضلات اجتماعی دارای مشکلات عدیده ای است، خانواده خود را سکونت دهد و در مسیر زندگی این کمبودها و مشکلات محیطی زمینه ساز مشکلات فردی از جمله ضعف در ارتباط و مشکلات مهارتی و یا مشکلات اجتماعی و درگیر شدن فرد و خانواده او به آسیب های اجتماعی مانند اعتیاد، خرده فروشی مواد و انجام خشونت و جرائم دیگر می گردد»؛ در نتیجه بایستی در بررسی موضوع آثار متفاوت علل مختلف را در تاثیر

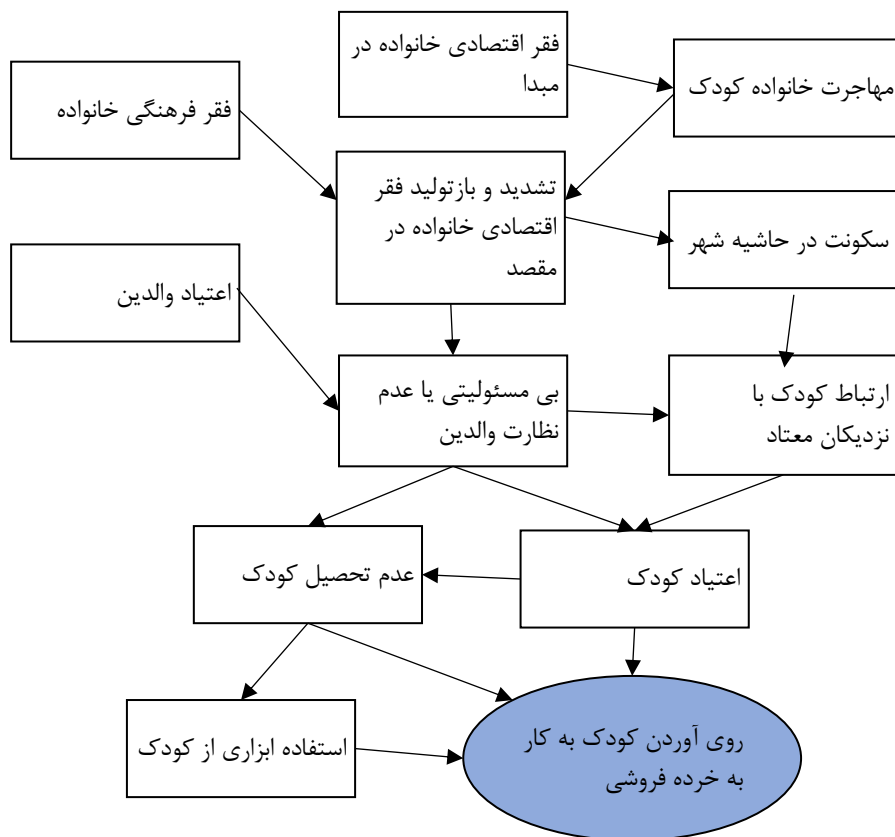
۱. نوع آرمانی با تشدید یک سوئیة یک یا چند دیدگاه و با به هم پیوستن تعدادی از پدیده های مجزا، پراکنده و تدارک، که برای تشکیل یک تابلوی فکری همگن مرتب شده اند، یک نمونه مثالی ساخته می شود (فروند، ۱۳۸۳)؛ به بیان دیگر، تیپ ایده آل بدین سان به دست می آید که پژوهشگر با به هم پیوند دادن تعداد زیادی از نمودهای جداگانه، پراکنده و ضمنی- که گاه فراوان یافت می شوند، گاه نادرند و زمانی هم اصولا نایاب- می کوشد بر یک یا چندین دیدگاه به طور یک جانبه تأکید ورزد و همه آنها را براساس دیدگاه های انتخاب شده قبلی تنظیم کند تا بتواند یک جدول فکری یکپارچه بسازد. چنین جدولی را که خلوص مفهومی دارد هیچ جا در واقعیت نمی توان یافت. کار تاریخی عبارت است از تعیین اینکه واقعیت در هر مورد تا چه حد به چنین جدول ایده آلی نزدیک یا از آن دور است (آرون، ۱۳۸۱)

و تأثیر بر یکدیگر و به صورت ترکیبی بررسی نمود. برای مثال، در کودکی که به دلیل فقر اقتصادی با خانواده‌اش مهاجرت کرده است و والدینش معتادند، ترکیبی از دو یا سه فرایند بر خرده‌فروشی مواد مخدر وی تأثیر می‌گذارد. این انتزاع موجب تفکیک واقعیت‌های مختلف از یکدیگر شده است تا نحوه تأثیر عوامل مختلف بر این پدیده نشان داده شود. پررنگ کردن قسمت‌هایی از واقعیت اجتماعی که در چهار فرایند کلی آورده شده است؛ بیان می‌کند این قسمت‌های واقعیت اجتماعی برای محققان پژوهش حاضر مهم‌اند و کار پژوهشگران در این تحقیق نشان‌دادن همین قسمت‌های مهم از واقعیت اجتماعی بوده است. درحقیقت، با وجود اینکه نگارندگان معتقدند واقعیت اجتماعی همیشه شامل عوامل مختلف و زمینه‌ساز گوناگون می‌شود، این انتزاع و تیپ‌سازی موجب می‌شود اولاً بر بعضی از عوامل بیشتر تأکید شود، ثانیاً از طریق تیپ‌سازی، نحوه اثرگذاری عوامل مختلف که بر اساس شرایط، متفاوت و از نظر تیبی مهم‌اند، استخراج شود.

الگوی اول: خانواده مهاجر فقیر

در این مدل خانواده به دلیل فقر اقتصادی مجبور به مهاجرت از روستاها و یا شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ می‌شود و در مقصد به دلیل تفاوت فرهنگی و عدم امکان خانواده به اشتغال در مشاغل پردرآمد معمولاً شروع به کار در مشاغل کاذب و کم درآمد کرده و در واقع خانواده با فقر همزمان فرهنگی و اقتصادی روبرو خواهد شد. محیط جدید معمولاً در حواشی شهر که دارای آسیب‌های اجتماعی فراوانی است در کنار محرومیت از حقوق اجتماعی مانند عدم امکان تحصیل و ...؛ عدم نظارت والدین بر رفتارهای فرزندان خود، معاشرت فرزندان با افراد ناباب و دارای مشکل، استفاده ابزاری از کودکان برای فروش مواد مخدر به دلیل کاهش امکان کشف جرم و به دلیل فقدان مسئولیت‌گیری کودکان و ... باعث تربیت متفاوت کودکان و گرایش آنها به انجام فعالیت‌های اقتصادی در مشاغل کاذب مانند خرده‌فروشی مواد مخدر و محرومیت از تحصیل خواهد گردید. چنانچه والدین دارای اعتیاد باشند امکان اعتیاد کودک وجود داشته و همین اعتیاد باعث ترک تحصیل و انجام کار برای تامین مواد مخدر مصرفی خود می‌گردد. این برداشت از

لحاظ پشتوانه نظری با برخی از نظریات جرم‌شناختی مانند نظریه بی‌سازمانی اجتماعی ۱ مبنی بر تاثیر عوامل اکولوژیکی و زیستی بر نرخ جرائم که ارتباط با افزایش مداوم سطوح ترک تحصیل از دبیرستان، بیکاری، خرابی زیرساخت‌ها و خانه‌های تک‌والدی دارد و معاشرت ترجیحی ۲ مبنی بر افزایش احتمال انحراف در معاشرت و تماس با گروه‌های منحرف در حاشیه شهر و نظریه سیستم خانواده ۳ مبنی بر توجه به کودکان به عنوان ابزار کار اقتصادی در خدمت خانواده به دلیل بی‌مسئولیتی و عدم نظارت والدین و تاثیرپذیری کودک از رفتار و شغل خانواده (اسریواستا، ۴، ۲۰۰۳)، منطبق بوده و توسط آنها پشتیبانی می‌گردد. شمای این فرایند در نمودار ۲ قابل مشاهده است.



نمودار ۲: الگوی خانواده مهاجر فقیر

1. Social disorganization theory
2. Differential association

3. Family System Theory
4. Srivastava

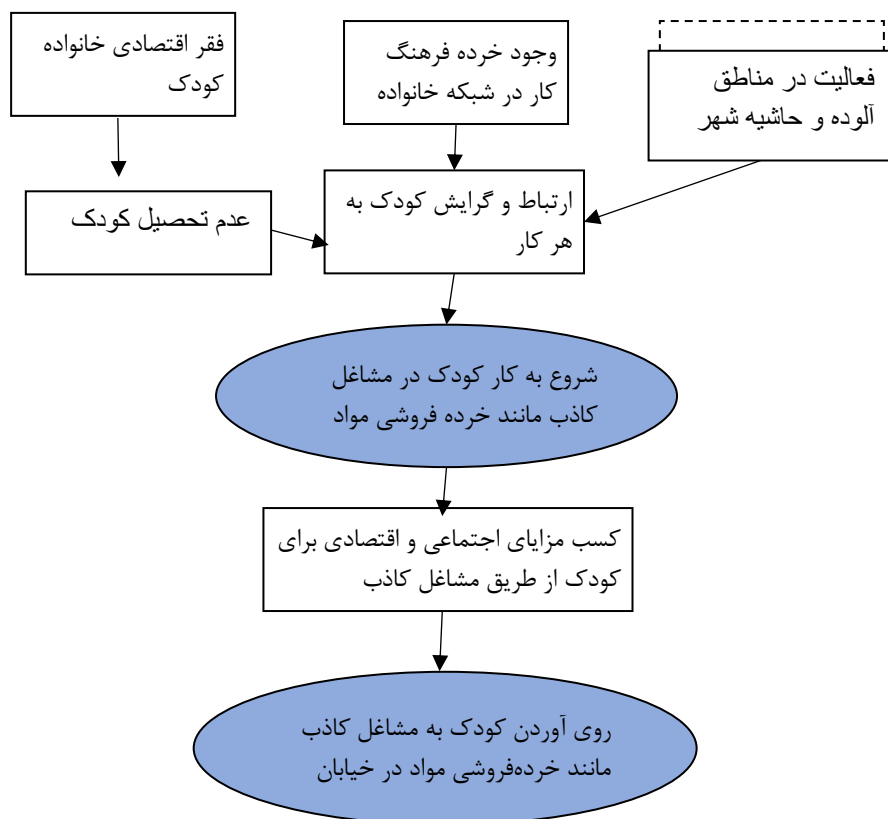
الگوی دوم: خانواده دارای فرهنگ کار

در برخی خانواده‌ها تفکر غالب، تفکر اقتصادی و اولویت اول تامین معاش بوده و این فرهنگ باعث می‌شود که تحصیل و یا تربیت کودکان در اولویت‌های بعدی باشد. زمانی که کودکان در خانواده‌هایی رشد و تربیت می‌شوند که برای ایشان کار کردن فارغ از نوع آن ارزش محسوب می‌شود و این تفکر خود باعث ایجاد خرده فرهنگ‌های کار برای کودکان می‌گردد. این موضوع باعث می‌شود که کودکان در نوجوانی به انجام فعالیت‌هایی پردازند که در محیط‌های کار ناسالم انجام می‌شود و معاشرت در این محیط‌ها با همسالان خود که در این شرایط تربیت شده‌اند و تمایل به کسب درآمد باعث دست زدن ایشان به فعالیت‌هایی مانند فروش مواد مخدر می‌شود. در واقع تغییر نگرش و تمایل کودک به ارزش‌های اقتصادی و کسب درآمد بیشتر از هر طریق در کنار تمایل به حس خودبزرگی بینی و کسب مزایای اجتماعی و استقلال مالی بیشتر در کنار فعالیت‌های اقتصادی کاذب مانند خرده‌فروشی مواد مخدر باعث تمایل بیشتر ایشان به این گونه فعالیت‌ها می‌گردد. این برداشت از لحاظ پشتوانه نظری با برخی از نظریات مانند نظریه الگوپذیری رفتاری مبنی بر الگوپذیری به دلیل مورد توجه قرار گرفتن توسط نزدیکان (هکت ۱، ۲۰۰۰) و نظریه مبادله که بر انتقال و مبادله ارزش‌های مورد احترام یک خانواده به فرزندان تاکید دارد، پشتیبانی می‌گردد.

۱۰۳

103

سال هفدهم، شماره ۹، پاییز ۱۴۰۲
Vol. 17, No. 69, Autumn 2023

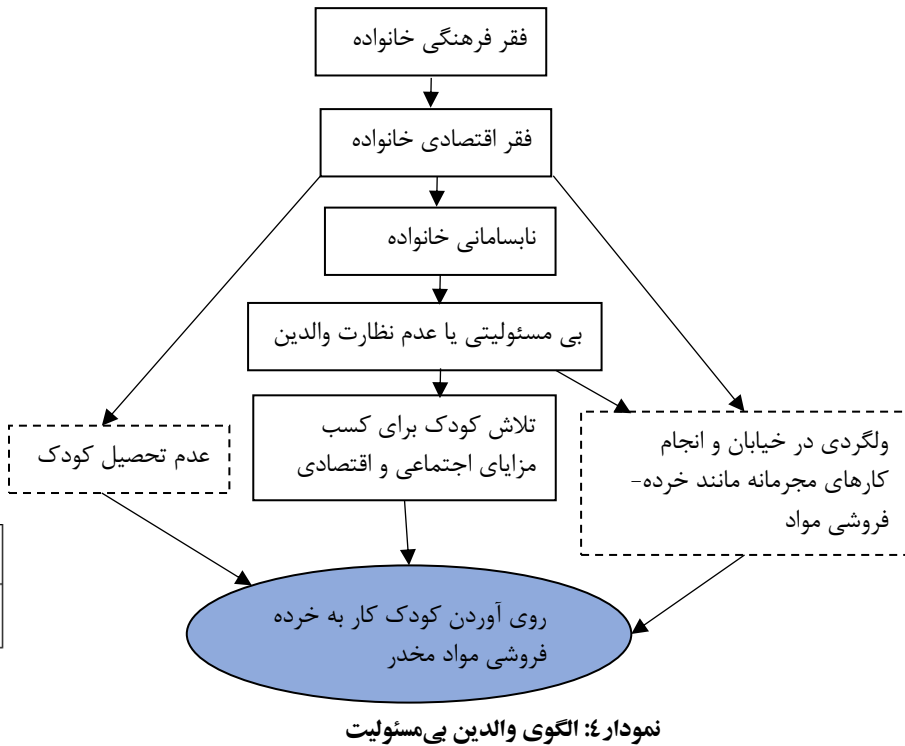


نمودار ۳: الگوی خانواده دارای فرهنگ کار

الگوی سوم: والدین بی مسئولیت

کم سواد و یا بی سواد والدین و عدم توجه کافی به تربیت، زندگی در محیط‌های آلوده به انواع آسیب‌ها و جرائم باعث ایجاد چالش‌های همزمان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در خانواده شده و به نوعی بنیان خانواده را متزلزل خواهد نمود. همه این عوامل باعث ایجاد تنش و نابسامانی خانوادگی شده و به نوعی موجب عدم توجه والدین به نیازهای عاطفی و تربیتی و اقتصادی کودکان می‌گردد. این عدم نظارت و عدم حمایت در واقع به نوعی ناشی از بی مسئولیتی و یا کم مسئولیتی والدین در توجه به نیازهای مادی و عاطفی کودکان می‌گردد. در نهایت این موضوع مشوق انجام فعالیت‌های اقتصادی کودکان برای کسب درآمد و استقلال مالی ایشان از روش‌های نامشروعی مانند خرده‌فروشی مواد مخدر از والدین از یک سو و گرایش به مواد مخدر برای پر کردن خلاءهای عاطفی از سوی دیگر

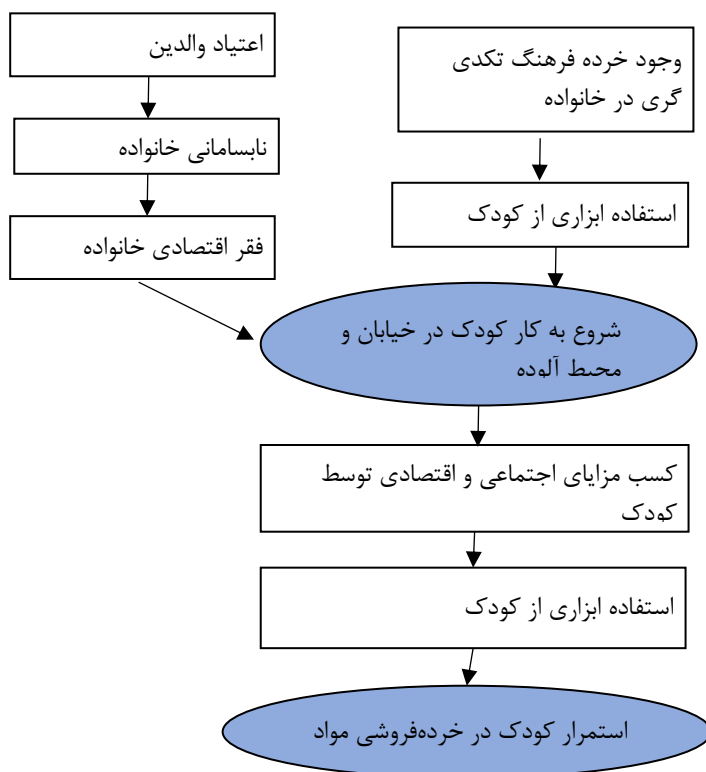
می‌گردد. این برداشت از لحاظ پشتوانه نظری منطبق است با نظریاتی مانند نظریه رذ و استندینگ امینی بر تاثیر کمبود تحصیل یا فقدان مهارت زندگی موجب فقر اقتصادی و در نتیجه بی نظارتی والدین بر فرزندان خواهد شد.



الگوی چهارم: الگوی خانواده متکدی

تکدی به عنوان یک شغل کاذب که دارای آسیب‌های اجتماعی فراوان بوده، تعریف شده است. زمانی که کودک در یک خانواده پرجمعیت که قادر به تامین هزینه‌های جاری اقتصادی خود نیست و والدین از طریق تکدی‌گری در خیابان، امرار معاش می‌کنند تربیت می‌شود به نوعی پذیرای فرهنگ تکدی‌گری شده و از آنجایی که تکدی‌گری از طریق کودکان معصوم، حربه‌ای برای غلیان احساسات مردم برای اعطای کمک‌های بیشتر است؛ لذا این استفاده ابزاری خود باعث افزایش نرخ کودکان شاغل در تکدی‌گری می‌شود. گاه

این استفاده ابزاری توسط والدین و گاهی از طریق افراد دیگر که از این کودکان به عنوان افرادی اجاره شده که در قبال این اجاره هزینه‌ای ناچیز به والدین پرداخت و صرفاً هزینه خورد و خوراک آنها تامین و در عوض از منافع حاصل از تکدی‌گری و اشتغال به مشاغل کاذب دیگر مانند خرده‌فروشی مواد مخدر بهره‌مند می‌گردند، استفاده می‌شود. اعتیاد و نابسامانی خانوادگی نیز از عوامل مشدده این فرایند آسیب‌زاست. این برداشت با نظریاتی مانند بی‌سازمانی اجتماعی و نظریه مبادله منطبق بوده و پشتیبانی می‌گردد.



نمودار ۵: الگوی خانواده متکدی

بحث و نتیجه‌گیری

آسیب‌های اجتماعی در هر جامعه‌ای تهدیدکننده نظام اجتماعی تلقی می‌شوند. بنیان هر جامعه‌ای با همنوایی اعضای آن با ارزش‌ها و هنجارهای آن جامعه مرتبط است. اگر اعضای جامعه از هنجارهای اجتماعی تخطی نمایند جامعه نمی‌تواند به آسانی کارکردهای خود را انجام دهد، بنابراین دچار بی‌سازمانی و بی‌نظمی می‌شود. بسترها و زمینه‌های

مختلفی در بروز و تشدید معضلات و پدیده‌هایی که به نوعی آسیب اجتماعی محسوب می‌شوند، بنا بر جامعه مورد مطالعه، موثرند که برای پاسخ‌دهی مناسب، نیازمند شناسایی و احصا هستند. بر این مبنا معضل سوءاستفاده از کودکان خیابانی که به خاطر گذران زندگی مجبور به اشتغال به کارهایی هستند که متناسب با وضعیت آنها نبوده و گاهی عنوان مجرمانه نیز دارند، به نوعی آسیبی است که نیازمند بررسی و رفع می‌باشد. این کودکان در واقع به نوعی قربانی وضعیت موجود شده‌اند و در واقع به جای بزهکار، به نوعی بزه‌دیده شرایط هستند و به صورت بالقوه ممکن است نسبت به سایرین در معرض آسیب بیشتر باشند که از این جهت دارای اهمیت است. در سال‌های اخیر روند افزایش بی‌خانمانی و سکونت خانواده‌ها در حاشیه شهرها و یا در خیابان‌ها باعث ایجاد و گسترش پدیده کودکانی شده است که در خیابان‌ها زندگی و مجبور هستند برای امرار معاش اقدام به فعالیت‌های کاذب و گاهی مجرمانه مانند خرید و فروش و یا انتقال مواد مخدر نمایند. بحث استفاده ابزاری از کودکان کار خیابانی در ارتکاب جرائمی مانند خرده‌فروشی مواد مخدر از آن جهت که مباشران فاقد مسئولیت کیفری هستند، حربه‌ای برای فرار از تحمل مسئولیت مرتکبان و ذینفعان اصلی است. از جهت دیگر ورود کودکان به این محیط خود بسترساز بسیاری از آسیب‌های شدیدتر در آینده برای ایشان و برای جامعه خواهد بود. باید توجه نمود که احصای عوامل موثر بر گرایش کودکان و تعدیل و اصلاح این علل از طریق برطرف نمودن زمینه‌ها و بسترهای گرایش این افراد به مشاغل کاذب و تمهید مقدمات لازم برای کاهش آسیب‌های اجتماعی، از این جهت دارای اهمیت است که اولاً امکان اصلاح این افراد در سنین پایین بسیار بیشتر از سنین بالا وجود دارد و ثانیاً این اصلاح خود در بلندمدت باعث کاهش و کنترل بسیاری از آسیب‌ها و جرائم کلان در آینده خواهد بود و در واقع این یک سرمایه‌گذاری سودمند در بلندمدت برای کل جامعه تلقی خواهد گردید. بر این مبنا هدف این پژوهش شناسایی و احصای عوامل موثر بر این پدیده در استان‌های غربی ایلام و کرمانشاه بود. شناخت این موضوع به عنوان یک معضل اجتماعی و نه یک پدیده انتظامی و امنیتی در تغییر رویکرد پاسخ‌دهی مناسب با ماهیت پدیده بسیار مهم و ضروری است. در این راستا باید اقدامات مرتبط با توانمندسازی در ابعاد اجتماعی،

اقتصادی و روان‌شناختی در اولویت کار قرار گرفته و بسترسازی در این خصوص انجام شود (شیخ‌الاسلامی و نوروزی فیروز، ۱۴۰۲). بر مبنای نتایج حاصل شده می‌توان چهار عامل اصلی روان‌شناختی، خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی را به عنوان عوامل موثر گرایش کودکان کار خیابانی به فروش مواد مخدر برشمرد که از حیث کلی، نتایج این تحقیق با پژوهش‌های اسدپور و اعظم‌آزاده (۱۳۹۹) در اینکه مشکلات اجتماعی از جمله سطح تحصیلات و اعتیاد به مواد مخدر والدین بر میزان کار کودکان و خیابانی شدن آنها موثر بوده است، منطبق است. هر چند که عوامل اجتماعی دیگری مانند محیط اجتماعی و محل زندگی نامناسب، توزیع ناعادلانه امکانات در محیط، طرد اجتماعی، همسالان و ... را می‌توان به مجموعه این عوامل اضافه نمود. پرجمعیت بودن خانواده، مهاجرت از محل زندگی برای ارتقای سطح زندگی، سپردن کودکان به اقوام ساکن در شهرها و ترک تحصیل از علل اجتماعی دیگری است که برای این آسیب اجتماعی می‌توان برشمرد و از این جهت نیز این یافته‌ها با تحقیق هاشمی (۱۳۹۹) همسو است. در اینکه مهاجرت‌های اجباری به دلیل بهبود وضعیت اقتصادی انجام می‌گیرد و در واقع منشا اقتصادی دارند و همین عامل در ایجاد و گسترش این پدیده موثر است با تحقیق قاسم‌زاده (۱۳۹۹) همسو است. ضمناً نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش تیندا (۲۰۲۱) در این خصوص که محیط اجتماعی و فعالیت افراد را در گرایش به این آسیب اجتماعی موثر دانسته و با نتایج پژوهش انیو (۲۰۲۰) در این زمینه که ساختار خانواده، بیکاری، محل سکونت و زیست فرهنگی را موثر بر این موضوع دانسته همراستا است. در تبیین و تکمیل این یافته‌ها و به عنوان وجه ممیزه تحقیق با تحقیقات قبل می‌توان گفت که گرایش کودکان به کار در خیابان و سپس انجام جرائمی مانند خرده‌فروشی مواد مخدر نه موضوعی تک بعدی مانند آنچه در تحقیقات انجام شده مورد اشاره، بلکه دارای ابعاد متنوع، مختلف و پیچیده‌ای است که ناشی از تاثیرپذیری از علل مختلفی می‌باشد که نیازمند بررسی و تحقیق است. عوامل خانوادگی مانند طلاق والدین، اعتیاد پدر یا مادر، خشونت خانوادگی نسبت به یکدیگر و شیوه‌های غلط تربیتی، چندهمسری و طرد از خانواده و ...؛ عوامل و زمینه‌های فردی مانند مشکلات جسمی، روانی و تربیتی و ... در کنار علل فرهنگی و اجتماعی و

بسیاری دیگر از عوامل ناپیدای دیگر دقت و تامل نظر را در پاسخ‌دهی مناسب و دقیق به این معضل اجتماعی طلب می‌کند. واکنش‌ها و پاسخ‌های سیاست‌گذاران اجتماعی به پدیده‌های نابهنجار اجتماعی بایستی متناسب، دقیق، بهنگام و ناظر به رفع علل اصلی این معضلات اجتماعی باشد. براین اساس و مبتنی بر یافته‌های مستخرج از بررسی موضوع، چهار فرایند کلی گرایش کودکان کار خیابانی به خرده فروش مواد مخدر که شامل خانواده فقیر مهاجر، خانواده دارای فرهنگ کار، خانواده دارای والدین بی‌مسئولیت و خانواده متکدی ظهور می‌یابد، انتزاع و ترسیم شده است. این چهار فرایندها متاثر از علل مستخرجه و در ترکیب با یکدیگر در برساخت پدیده خرده‌فروشی کودکان کار خیابانی موثر است. از آنجایی که این موضوع پدیده‌ای اجتماعی و چندبعدی است گرایش کودکان کار خیابانی به خرده فروش مواد مخدر، ترکیبی از این فرایندها می‌تواند باشد یا فقط شامل یکی از این فرایندها شود؛ برای مثال، در کودکی که به دلیل فقر اقتصادی با خانواده‌اش به حواشی شهرهایی مانند ایلام یا کرمانشاه مهاجرت کرده است و والدینش معتادند، ترکیبی از دو یا سه فرایند بر گرایش کودکان کار خیابانی به خرده‌فروشی مواد مخدر تأثیر گذار است. از آنجایی که علل گرایش کودکان کار به خرده‌فروشی مواد مخدر در قالب عوامل مستقیم و یا زمینه‌ای (اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی و روان‌شناختی) شناسایی شده‌اند؛ لذا اقدامات مداخله‌ای نیز بایستی در حذف و کنترل این زمینه‌ها دارای جنبه پیشگیرانه در مرحله اول و درمان و کنترل در مرحله بعد باشد. در حوزه پیشگیری نیز تأکید بر پیشگیری اجتماع‌محور و رشد‌مدار که به صورت اصولی، بر حل مسئله متمرکز است و بسترمندی مهارت‌های زندگی و اجتماعی در کنار بهبود سرمایه اجتماعی و تقویت مهارت‌های زندگی به عنوان استراتژی‌های مورد توجه، تأکید می‌شود (قاسم‌زاده، ۱۴۰۲).

با توجه به چندبعدی بودن این معضل پاسخ‌گذاری مناسب نیز نیازمند مداخله تمام نهادهای مسئول در این خصوص برای رفع علل و عوامل موثر در ایجاد آن می‌باشد که با توجه به مخاطبان این موضوع که کودکان کار خیابانی هستند، نیازمند ظرافت و دقت فراوان می‌باشد. این مهم نیازمند تعامل و هماهنگی همه جانبه نهادهای موثر (غیررسمی و حاکمیتی) در حل این معضل اجتماعی است. به این منظور اقدامات ذیل پیشنهاد می‌گردد

که تمام نهادهای مسئول از ایجاد علل اصلی این پدیده، یعنی از بین بردن فقر و زمینه‌های مهاجرت از طریق توسعه متوازن مناطق حاشیه‌ای و تعمیم خدمات تامین اجتماعی (ایجاد اشتغال و حمایت مالی و اجتماعی) و اجرای برنامه‌های توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی در مناطق حاشیه‌ای اقدام نمایند که در این خصوص ارائه خدمات مورد نیاز آموزشی، بهداشتی، مشاوره‌ای و ... نیاز است. در خصوص اقدامات اجرایی و اصلاحی و رفع عوامل فردی، شناسایی خانواده‌ها و کودکان در معرض آسیب و یا آسیب‌دیده از این معضل و با حفظ محرمانگی در پایگاه اطلاعات بهداشتی تحت نظارت و حمایت در اولویت قرار گیرند. در مرحله بعد معاینات و بررسی‌های بالینی لازم به منظور تشخیص و درمان مشکلات روان‌شناختی کودکان مبتلابه به این آسیب و اعضای خانواده ایشان و همچنین انجام مشاوره‌ای کوتاه‌مدت و درازمدت با ایشان و ارائه خدمات روان‌شناختی سریع با موضوعات آموزش سبک زندگی، مهارت‌های فردی و جمعی، مشاوره فردی و گروهی، خانواده درمانی، درمان حمایتی، مداخله در بحران، آموزش ابراز وجود، نظارت بر خود، خودکنترلی و صورت پذیرد. در خصوص اقدامات اجتماعی نیز مهارت‌های فرزندپروری و کمک به بهسازی روابط پیوندهای درون خانوادگی و سازگاری زناشویی والدین این کودکان از طریق ارائه آموزش‌های لازم همگانی توسط نهادهای خانواده، مدرسه، مساجد، رسانه‌ها و نهادهای دیگر فرهنگی تقویت گردد. انجام فرایند بازگشت مجدد کودکان طرد شده از طریق ارائه خدمات روان‌شناختی، مشاوره‌ای و مددکارانه به فرزندان خانه‌گریز جهت بازگشت مجدد به زندگی خانوادگی و تمهید خانواده‌ها برای پذیرش مجدد فرزندان و کودکان خیابانی با دقت انجام شود و به صورت مستمر پیگیری گردد. به عنوان پیشنهاد پژوهشی، به منظور تعمیم نتایج پژوهش لازم است موضوع پژوهش در سطح وسیع‌تری انجام و پس از نیل به نتایج منطقی انجام تعامل و هماهنگی پژوهشی تمامی نهادهای دخیل در موضوع به منظور تجمیع نتایج پژوهش‌ها و احصای تمامی ابعاد موضوع و در نهایت عملیاتی نمودن نتایج حاصل از تحقیقات انجام گرفته و نهادسازی و تعریف مسئولیت هر نهاد متولی در این خصوص در تحقیقات بعدی پیشنهاد می‌گردد.

منابع

- اسدپور، عهدیه و اعظم آزاده، منصوره (۱۳۹۹). فراتحلیل مطالعات عوامل اثرگذار بر پیدایش کودکان کار و خیابان. *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۷(۱۶)، ۱۸۷-۲۱۵.
- اسدی، محمدرضا و پرزرو، پرویز (۱۳۹۹). بررسی علل گرایش به مصرف مواد مخدر (اعتیاد) در شهر اردبیل. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۱۴(۵۶)، ۱۶۹-۱۹۸.
- آلیسون، جیمز؛ جنکس، کریس و پروت، آلن (۱۳۹۷). *جامعه‌شناسی دوران کودکی (نظریه پرداززی درباره دوران کودکی)*. ترجمه علیرضا ابراهیم آبادی و علیرضا کرمانی. تهران: ثالث. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۱۹۹۸).
- باقری، خسرو (۱۳۹۹). کودکان کار و نظم نوین جهانی. *ماهنامه ادبی - اجتماعی چیستا*، ۱۹(۲۲۹)، ۲۵-۳۵.
- خواستار، حمزه (۱۳۸۸). ارائه روشی برای محاسبه پایایی مرحله کدگذاری در مصاحبه‌های پژوهشی. *فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی*، ۱۵(۵۸)، ۱۶۱-۱۷۴.
- شیخ‌الاسلامی، علی و نوروزی فیروز، الهه (۱۴۰۲). تأثیر توانمندسازی روانی-اجتماعی بر تحمل آشفته‌گی دانش‌آموزان با آمادگی به اعتیاد. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۱۷(۶۷)، ۷-۲۴.
- عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه (۱۳۸۹). پدیده کودکان خیابانی و راهکارهای مقابله با آن. *فصلنامه فقه و حقوق خانواده*، ۷(۳۱)، ۱۰۱-۱۱۸.
- علیپور، محمدصادق؛ ملک‌پور، کیانا؛ محمدی، معصومه؛ اصغری، صمد؛ گودرزی، ثریا و نادیمیان، نغمه (۱۴۰۰). بررسی وضعیت کار کودک در ایران. گروه پژوهشی آمار اقتصادی، تهران: پژوهشکده آمار مرکز آمار ایران.
- قاسم‌زاده، فاطمه (۱۳۹۹). کودکان خیابانی زخمی بر بیکر شهرها. *ماهنامه جامعه سالم*، ۴(۳۹)، ۱۴-۲۴.
- قاسم‌زاده، داود (۱۴۰۲). مطالعه کیفی علل و زمینه‌های اختلال مصرف مواد در بین دانش‌آموزان شهر تبریز. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۱۷(۶۷)، ۱۰۱-۱۲۶.
- ملتفت، حسین؛ شهریاری، مرضیه و حزباوی، عزیز (۱۳۹۹). تحلیل وضعیت و پیامد عادت‌واره‌های کودکان از کار در خیابان با رهیافت نظریه داده‌بنیاد. *پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*، ۷(۲۵)، ۳۱-۷۰.
- نادری، نادر؛ کرمان، فرانک و خسروی، احسان (۱۴۰۰). تدوین الگویی در جهت ساماندهی زنان وابسته به مواد بی‌خانمان و خیابانی شهر کرمانشاه: یک رویکرد کیفی با نظریه داده‌بنیاد. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۱۵(۵۹)، ۸۵-۱۱۰.

هاشمی، ژینوس (۱۳۹۹). کار کودکان در ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

References

- Adonteng- Kissi, O. (2019). Parental perception of child labour and human rights: A comparative study of rural and urban Ghana. *Child abuse & neglrcm*, 15(84), 33-44.
- Budescu, M., Sisselman-Borgia, A., & Torino, G. C. (2022). Discrimination, self-harming behaviors and emotional quality of life among youth experiencing homelessness. *Journal of Social Distress and Homelessness*, 31(1), 55-64.
- Carver, H., Ring, N., Miler, J., & Parkes, T. (2020). What constitutes effective problematic substance use treatment from the perspective of people who are homeless? A systematic review and meta-ethnography. *Harm Reduction Journal*, 17(1), 10-23.
- Duke, A., & Searby, A. (2019). Mental Ill Health in Homeless Women: A Review. *Issues in Mental Health Nursing*, 40(7), 605-612.
- Ennew, J. (2020). Family Structure, Unemployment and Child Labour in Jamaica. *Development and Change*, 4(13), 555-563.
- Hameeda, B., & Saadia, D. (2019). Emotion Regulation, Family Functioning and Quality of Life in Drug Addicts. *Journal of Research in Social Sciences*, 7(1), 69 -88.
- Hecht, T. (2000). *In search of Brazil's street children. Brazil*, In Abandoned Children. In C. Panter-Brick and M. Smith (Eds), Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- International Labour Organization. (2020). Childrent at Work: How Many and Where? World of Work: *The Magazine of The International Labour Review*, 4(15),14-24.
- Soni, R., Upadhyay, R., Meena, P., & Jain, M. (2017). Psychiatric morbidity, quality of life and marital satisfaction among spouse of men with opioid dependence syndrome: a study from North India. *International Journal of Advances in Medicine*, 4(2), 556 -561.
- Srivastava, J. (2003). *Child Labor in South Asia: Are Trade Sanctions the Answer?* cuts centre for international trade, economics & environment. Retrieved from www.cute.org.
- Syan, S. K., Minhas, M., Oshri, A., Costello, J., Sousa, S., Samokhvalov., & MacKillop, J. (2020). Predictors of premature treatment termination in a large residential addiction medicine program. *Journal of Substance Abuse Treatment*, 117, 108-127.
- Tienda, M. (2021). Economic Activity of Children in Peru: Labour Force Behavior in Rural and Urban Contyts. *Rural Sociology*, 2(44), 15-30.